



قبر

در مورد قبر مطالب متنوعی در آموزه های دینی مطرح شده است که به اهم آن ها در این مقاله اشاره می شود.

فهرست مندرجات

- ۱ - تعریف قبر
- ۲ - احساس انسان در قبر
- ۳ - سؤال در قبر
- ۴ - فشار قبر و عوامل ایجاد آن
- ۵ - عوامل از بین رفتن فشار قبر
- ۶ - زناهی که عذاب قبر از آنها برداشته می شود
- ۷ - قبله قرار دادن قبر پیامبران
- ۸ - دفن غیر مسلمان در قبرستان مسلمان
- ۹ - قدم زدن یا راه رفتن روی قبر
- ۱۰ - پانویس
- ۱۱ - منبع

تعریف قبر

واژه قبر در بسیاری از روایات به معنای **برزخ** است و منظور از **فشار قبر** یا سؤال و جواب **نکیر** و **منکر** در شب اول قبر شب اول انتقال انسان از این دنیا به عالم برزخ است.

در نتیجه اول شبی که انسان از دنیا رفته شب اول **برزخ** (قبر) او **حساب** می شود و آن چه که مربوط به **فشار قبر** و سؤال و جواب و **عذاب برزخی** است، مربوط به شب اول مرگ آدمی است در نتیجه اگر کسی را حیوانات درنده بخورند یا در دریا غرق شود و... از شب اول قبر معاف نمی شود. لازم به توضیح است که این توجیه (قبر به معنای برزخ) از واژه قبر در تضاد با روایاتی مانند **نماز لیلة الدفن** نخواهد بود؛ چرا که این گونه روایات ناظر به جنبه های حداکثری مسائل و حوادث و رخدادها است؛ زیرا که هم در گذشته و هم در دنیای کنونی اکثر قریب به اتفاق انسان هایی که از دنیا می رفتند و می روند با فاصله کوتاهی به خاک سپرده می شوند و شب اول قبر آنها با شروع **عالم برزخ** فاصله چندانی ندارد.

احساس انسان در قبر

دنیای بعد از مرگ، دنیای ناشناخته ای است؛ زیرا آنانی که به این سفر رفته اند، به طور عادی مجال بازگشت و یا ارائه آن چه دیده اند را ندارند. بر این اساس، اصلی ترین راه شناخت ما از مرگ و بعد از آن، گفتار **خداوند** و یا **پیشوایانی** است که به درستی سخن آنان اعتماد داریم.

پیامبر اکرم (ص)، در مورد وضعیت انسان بعد از مرگ و جای گرفتن در قبر می فرماید: قبر یا باغی از باغ های بهشت است و یا گودالی از گودال های جهنم. [۱]

مشابه چنین روایتی، از **امامان معصوم (ع)** نیز نقل شده است. [۲]

بر اساس روایات، فرد **فرشته ای** که برای پرسش و پاسخ، به مرده خوابیده در قبر مراجعه می کنند، از جلوه های متفاوتی برخوردارند.

اگر آن مرده، فرد نیکی باشد، **فرشتگان**، **"بشیر"** و **"مبشر"** نامیده می شوند. [۳]

که مفهوم **بشارت** در نام آنان نهفته است، اما اگر شخص ساکن در قبر، فرد ستمکار و گنه کاری باشد، نامشان **"نکیر"** و **"منکر"** است که ناشناسی و رمزآلود بودن را می توان از نامشان برداشت کرد.

این جا است که در دعا می خوانیم: "اَدْرَأْ عَنِّي مُنْكَرًا وَ نَكِيرًا وَ اَرْعَيْنِي مَبْشِرًا وَ بَشِيرًا"; [۴]

خدایا! نکیر و منکر را از من دور کرده و به جای آن دو، **بشیر** و **مبشر** را به من بنمایان!

یقیناً رفتار و کردار انسان ها در دنیا است که مشخص کننده وضعیت او در قبر خواهد بود.

احساس او نیز تابع جایگاهی است که برای او در نظر گرفته شده است و طبیعی است افرادی که در باغ بهشتی قرار گرفته و از جانب **فرشته بشارت**، مورد استقبال قرار می گیرند، در مقایسه با افرادی که در گودال های جهنم گرفتار آمده و با **فرشتگانی** که یاد آور عذابند، رو برو می شوند، از احساسات یکسانی برخوردار نباشند.

همان طور که گفته شد وضعیت انسان در قبر، تابع رفتارهای او در دنیا است که با مرگ خاتمه یافته است و بر این اساس، او توانایی تغییر وضعیت خود را ندارد مگر آن که در دنیا یادگارهای نیکی برجای گذاشته که اثر آن تا بعد از مرگ او نیز ادامه پیدا کند که در این فرض، می توان امید به بهبود وضعیتش در قبر داشت.

پیامبر اکرم (ص) در این زمینه می فرماید: هنگامی که فرد با **ایمانی** از دنیا می رود، دست او جز از سه چیز کوتاه می شود:

۱. **صدقه جاریه**، یعنی هر چیزی که آثار نیک آن در طول زمان ادامه داشته باشد؛ مانند ساختن **مسجد**، بیمارستان، مدرسه.

۲. دانشی که حتی بعد از مرگ او، سودش به دیگران برسد.

۳. فرزند نیکوکاری که (یادگاری از تربیت صحیح او بوده و) برایش دعا کند. [۵]

آری! اگر فردی، چنین یادگارهایی از خود برجای گذارد، ممکن است که وضعیتش در قبر بهبود یافته و عذابش تبدیل به ثواب شود.

روایت دیگری از **پیامبر (ص)** ایشان می فرماید: **عیسی مسیح (ع)**، روزی از کنار قبری گذر نمود که ساکن آن در حال **عذاب** بود. سپس بعد از گذشت یک سال، دوباره مسیرش به همان قبر برخورد کرده و مشاهده نمود که دیگر عذابی در کار نیست. او دلیل چنین تغییری را از خداوند جویا شده و از طرف **پروردگار** به او

وحی آمد که ای روح خدا! فرزند نیکی از این شخص، به سن رشد رسید که آن فرزند، جاده ای را تعمیر کرده و یتیمی را زیر سرپرستی خود قرار داد و من این

مرده را به خاطر کردار نیک فرزندش بخشیدم. [۶]

سؤال در قبر

انسانی که از دنیا می رود به عالمی به نام **برزخ** وارد می شود و او را در خانه ای به نام قبر وارد می کنند و در قبر از **عقاید** و **اعمال** کلی پرسیده می شود. به میت می گویند: خدایت که بود، پیغمبرت که بود، چه دینی داشتی؟ این را از هر فردی خواه **مؤمن** و خواه **کافر** و غیر مسلمان می پرسند، مگر از بچه های نابالغ، دیوانه و کم عقل؛ [۷] [۸]

دو **ملک** به نام «**نکیر**» و «**منکر**»، از انسان مواردی را سؤال می کنند که حضرت **امام سجاد** (ع) در این باره می فرماید: اولین سؤال آن دو **فرشته** این است که آیا **خدا** را **پرستش** می کردی یا **مشترک** بودی؟ دوم این که از **پیامبر** و **مکتب** و **دین** و کتاب (قرآن) سؤال می شود؛ سوم این که از رهبری و ولایت می پرسند که کدام رهبر (حق یا باطل) را تقویت و یا تضعیف می کردی؟ چهارم این که از عمر می پرسند که در چه راهی مصرف کردی؟ پنجم این که از مال و درآمدها می پرسند که از چه راهی به دست آوردی و در چه راهی مصرف نمودی؟ بعد در ادامه می فرمایند: خودتان را برای پاسخ گویی به سؤالات شب اول قبر آماده نماید. [۹]

فشار قبر و عوامل ایجاد آن

فشار قبر یکی از حقایقی است که **مؤمنان** به آن اعتقاد دارند. منظور از قبر، قبر ظاهری افراد نیست؛ زیرا در مکانی که میت دفن می شود هیچ تغییری ایجاد نمی شود، علاوه بر این که عده ای به گونه ای می میرند که **جسد** آنان از بین می رود و یا هرگز دفن نمی شوند تا آن که بدن شان از بین می رود.

در روایتی از **امام صادق** (ع) از حال شخصی پرسیده می شود که بعد از کشته شدن همچنان بدنش بر "دار" باقی است، آیا چنین شخصی **عذاب** قبر دارد؟ حضرت فرمود: بله. [۱۰]

بنابراین **فشار قبر** برای هر نوع مردنی قابل تصور است. در مورد **فشار قبر**، برخی از **اعمال** است که باعث **فشار قبر** می شود و برخی از **اعمال** است که **فشار قبر** را از بین می برد.

در **روایات** وارد شده است که بیشترین علتی که انسان به **عذاب** قبر مبتلا می شود؛ به دلیل **سخن چینی** و **بدخلقی** و بی مبالاتی به **نجاست بول** (ادار) است. [۱۱]

در روایت دیگر از رسول خدا (ص) نقل شده است: «**عذاب** قبر به سزای **سخن چینی**، **غیبت** و **دروغ** است». [۱۲]

عوامل از بین رفتن فشار قبر

شکی نیست که بین **اعمال** و **پاداش** یا **کیفر اخروی** رابطه مستقیمی وجود دارد هم چنین بین **اعمال** ما و **فشار قبر**، از این رو انسان می توان کارهایی را انجام دهد تا این که از **فشار قبر** ایمن باشد که در این جا با توجه به **روایات** به چند مورد از آن اشاره می کنیم:

۱. **امام صادق** (ع): هر چیزی قلبی دارد و قلب قرآن **سوره یاسین** است. کسی که آن را قرائت کند از **فشار قبر** ایمن خواهد بود، و ... [۱۳]
۲. **امام باقر** (ع): کسی که بر **تلاوت** **سوره زخرف** مداومت نماید، **خداوند** در قبر، او را از حشرات و حیوانات سمی زمین و **فشار قبر** ایمن می نماید تا زمانی که در پیشگاه **خداوند** حاضر شود. [۱۴]
۳. **امام صادق** (ع): کسی که بین ظهر پنجشنبه تا ظهر جمعه از دنیا برود، **خداوند** او را از **فشار قبر** ایمن می گرداند. [۱۵]
۴. **منصور بن حازم** می گوید: از **امام صادق** (ع) پرسیدم پاداش کسی که چهار بار **حج** به جا آورده چیست؟ فرمود: ای منصور کسی که چهار بار **حج** به جای آورد هرگز **فشار قبر** نمی بیند. [۱۶]
۵. **امام باقر** (ع) در ضمن بیان اثرات **زیارت امام حسین** (ع) می فرماید: زیارت امام حسین باعث ایمن بودن **زائر** از **عذاب** قبر می شود. [۱۷]

در پایان یاد آور می شویم که اگرچه **عذاب** قبر بسیار **رنج** آور و **سخت** است، ولی همین **فشار** و **عذاب** قبر، **کفاره گناه مؤمنان** است تا در **قیامت** و هنگام رسیدگی به **اعمال**، از **گناهان** آنان کاسته شده باشد.

در **روایات** متعددی به این حقیقت اشاره شده است؛ از **امیر مؤمنان** (ع) نقل شده است که **رسول خدا** (ص) فرمود: **فشار قبر** برای **مؤمن کفاره نعمت** هایی است که تباہ کرده است. [۱۸]

زنانی که عذاب قبر از آنها برداشته می شود

گروهی از زنان هستند که **عذاب** قبر از آنها برداشته می شود و با **حضرت زهرا** (س) محشور می شوند این مطلب مطابق با روایتی است که از **امام صادق** (ع) در کتاب "وسائل الشیعه" از "کتاب ورام" نقل شده است.

البته این **روایت** در "مجموعه ورام" وجود نداشته، بلکه در "ارشاد القلوب دیلمی" موجود است و با توجه به این که در روایات قبلی کتاب "ارشاد"، از "مجموعه ورام" نقل شده، ممکن است مؤلف "وسائل الشیعه" گمان کرده که این روایت نیز در ادامه همان روایات سابق و به نقل از "مجموعه ورام" است و بر همین اساس، مستقیماً این روایت را به کتاب ورام مستند کرده باشد.

به هر حال، متن این روایت این گونه می باشد: "قَالَ وَ قَالَ (ع) ثَلَاثٌ مِنَ النِّسَاءِ يَرْفَعُ اللَّهُ عَنْهُنَّ عَذَابَ الْقَبْرِ وَ يَكُونُ مَخْشَرَهُنَّ مَعَ فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ (ص) امْرَأَةٌ صَبَّرَتْ عَلَى غَيْرَةِ زَوْجِهَا وَ امْرَأَةٌ صَبَّرَتْ عَلَى سُوءِ خُلُقِ زَوْجِهَا وَ امْرَأَةٌ وَهَبَتْ صَدَاقَهَا لِرِزْقِهَا يُعْطَى اللَّهُ كُلَّ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ تَوَابٌ أَلْفٍ شَهِيدٍ وَ يَكْتَبُ لِكُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ عِبَادَةٌ سَنَةً" [۱۹]

سه گروه از زنان هستند که **خداوند عذاب** قبر را از آنان برداشته و در روز **قیامت**، با **فاطمه** دختر **پیامبر** (ع) محشور خواهند شد: اول، زنی که بر غیرت ورزی شوهرش صبر پیشه کند. دوم، زنی که بد اخلاقی شوهرش را تحمل کند. سوم، زنی که مهریه اش را به شوهرش ببخشد.

خداوند به هر کدام از آنان تواب هزار شهید را داده و برای هر کدامشان، عبادت یک سال را خواهد نوشت. در نهایت باید توجه داشت که این روایت، باید با توجه به دیگر آموزه های اسلامی مورد استناد قرار گیرد.

قبله قرار دادن قبر پیامبران

با توجه به روایتی که در ذیل بیان می شود برخی از **ظاهر گرایان** و **قشریون** بر این باورند که **نماز** خواندن رو به قبله و در سمت قبر **معصومین** و **پیامبران حرام** است از این رو به بررسی این روایت می پردازیم.

در **روایات** متعددی از **پیامبر اکرم** (ص) وارد شده است که آن حضرت فرمودند: "لَا تَتَّخِذُوا قَبْرِي قِبْلَةً وَ لَا مَسْجِداً فَإِنَّ اللَّهَ لَعَنَ الْيَهُودَ حَيْثُ اتَّخَذُوا قُبُورَ أَنْبِيَائِهِمْ مَسَاجِدَ" [۲۰] یعنی: "قبر مرا قبله خود و سجده گاه خود قرار ندهید و به قبر من **سجده** نکنید، **خداوند یهود** و **نصارا** را لعنت کند که قبر **پیامبران** خود را سجده گاه خود قرار داده بودند."

منظور این **روایت** کاملاً روشن است و بیان می کند آنچه **حرام** است و **یهود** به خاطر آن مورد لعن **پیامبر اکرم** (ص) قرار گرفتند این است که آنان قبر **پیامبران** خود را قبله قرار داده و به سوی آن **نماز** می خواندند و الا صرف **نماز** خواندن در کنار قبر یا رو به قبر هیچ اشکالی ندارد؛ زیرا ما می دانیم در **حجر اسماعیل** در **مسجد الحرام** بهترین جا برای **نماز** خواندن است و **نماز** در آن افضل است، در حالی که قبر **حضرت اسماعیل** و **پیامبران** دیگری در آن قرار دارد. پس صرف **نماز** خواندن در کنار قبرها و یا قرار دادن قبری در داخل **مسجد** اشکالی ندارد و آن چه حرام است این است که قبر را قبله قرار داده و همانند بت به سوی آن **سجده** کنند. [۲۱]

استاد سیحانی در توضیح این روایت فرموده اند: "و المراد من قوله «مسجداً» بقرينة قوله «قبلة» هو السجود عليه تعظيماً" [۲۲]

یعنی: به قرینه "قبلة" روشن می شود که مراد از "مسجداً" این است که به خاطر تعظیم قبر به آن **سجده** شود" بنا بر این **روایت** چنین **سجده** کردنی را که در حقیقت نوعی **بت پرستی** است نفی کرده است.

دفن غیر مسلمان در قبرستان مسلمان

بر طبق **احکام اسلامی** **دفن میت** غیر مسلمان در **قبرستان مسلمانان** و **دفن** مسلمان در **قبرستان کفار** اشکال دارد و جایز نیست. و هم چنین جایز نیست **اولاد کفار** در **قبرستان مسلمانان** دفن شود. بله! اگر میت کافر و مسلم مشتبه شود، همه را در مقبره مسلمانان دفن می کنند. و هر گاه **کافر** را در مقبره مسلمانان یا مسلمانانی را در مقبره کفار دفن کردند، **نیش** قبر جایز است، به جهت این که **کافر** حرمت ندارد و مقتضای حرمت مسلم این

قدم زدن یا راه رفتن روی قبر

در خصوص قدم زدن یا راه رفتن روی قبر، نظر مراجع عظام تقلید بدین شرح است. دفتر حضرت آیت الله العظمی سیستانی (مدظله العالی): معروف کراهت آن است. دفتر حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مدظله العالی): راه رفتن بر قبر بدون ضرورت مکروه است. کفاره ای ندارد. دفتر حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (مدظله العالی): حرام نیست، ولی بهتر این است که روی قبر مؤمنان راه نروند.

پانویس

۱. ↑ بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۷۵
۲. ↑ بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۱۴
۳. ↑ بحار الانوار، ج ۵۶، ص ۲۲۴
۴. ↑ بحار الانوار، ج ۹۵، ص ۲۹۲
۵. ↑ بحار الانوار، ج ۳، ص ۲۲
۶. ↑ بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۲۰، حدیث ۱۵
۷. ↑ دستغیب، سید عبدالحسین، ۱۰۰۰ سؤال، ص ۲۳ و ۲۴
۸. ↑ قرائتی، محسن، تلخیص اصول عقاید، ص ۱۷۴
۹. ↑ بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۲۳
۱۰. ↑ بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۴۱
۱۱. ↑ صدوق، محمد بن علی، اعتقادات، حسنی، ص ۶۹، اسلامیة، تهران، ۱۳۷۱ ش.
۱۲. ↑ مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، کمره ای، محمد باقر، ج ۲ (جلد شانزدهم بحار)، ص ۱۶۲، اسلامیة، تهران، ۱۳۶۴ ش.
۱۳. ↑ صدوق، محمد بن علی، نواب الاعمال، بندریگی، ص ۲۲۲، اخلاق، قم، ۱۳۷۹ ش.
۱۴. ↑ صدوق، محمد بن علی، نواب الاعمال، بندریگی، ص ۲۲۲، اخلاق، قم، ۱۳۷۹ ش.
۱۵. ↑ صدوق، محمد بن علی، نواب الاعمال، بندریگی، ص ۲۲۲، اخلاق، قم، ۱۳۷۹ ش.
۱۶. ↑ صدوق، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۱۷، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۱۲ ق.
۱۷. ↑ محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۲۱۰، مؤسسه آل البيت، قم، ۱۴۰۸ ق.
۱۸. ↑ نواب الاعمال، بندریگی، ص ۲۲۵
۱۹. ↑ حر عاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۲۸۵، ج ۲۷۰۹۹، مؤسسه آل البيت، قم، ۱۴۰۹ ق
۲۰. ↑ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۲۲۵
۲۱. ↑ مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۵۶
۲۲. ↑ سبحانی، جعفر، فی ظل اصول الاسلام، ص ۲۱۷
۲۳. ↑ الغایة القصوی فی ترجمة العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۵۴
۲۴. ↑ مفتاح الكرامة فی شرح قواعد العلامة (ط-الحدیثة)، ج ۴، ص ۲۷۴
۲۵. ↑ اشتهازدی، مدارک العروة، ج ۸، ص ۳۴۱

منبع